

## بابک سوار آسانسور می شود



بابک می خواهد از خانه خودشان که طبقه چهارم است، به خانه مادر بزرگش در طبقه اول برود و از پشت در حالش را بپرسد. آخر تلفن مادر بزرگ خراب شده و تنهایی توی خانه حوصله اش سر می رود. تو حتما می دانی بابک چرا نمی رود داخل خانه و از پشت در با مادر بزرگ حرف می زند. خوب حالا بگو ببینم می توانی به بابک کمک کنی که بدون خطر سوار آسانسور شود؟ در خانه مربوط به کارهای درست، یک ضربدر بزن.

۴

در آسانسور را  
وقتی هنوز کاملاً  
نرسیده، نمی کشم

گ

چون آسانسور  
خانه خودمان  
است، لازم نیست  
ماسک  
بزنم

ج

برای باز  
نگه داشتن در،  
دکمه مخصوصش  
را فشار  
می دهم

ل

۲

برای همسایه مان،  
دستم را لای  
آسانسور نگه  
می دارم

ه

دکمه ها را با  
وسیله ای مثل  
کلید فشار می دهم  
که دستم  
آلوده نشود

ک

اگر آسانسور  
متوقف شد، دکمه  
آزیر را می زنم

ا

خانه ی  
مادر بزرگ

اگر آسانسور  
متوقف شد، سعی  
می کنم در را به زور  
باز کنم

ص

اگر آسانسور  
شلوغ باشد، سوار  
نمی شوم

ش

وقتی حوصله ام  
سر برود، هی با  
آسانسور بالا و پایین  
می روم

پ

ت

موقع پیاده شدن  
از آسانسور جلوی  
پایم را نگاه می کنم

ت

وقتی منتظر  
رسیدن آسانسور  
هستم، نزدیک در  
می ایستم

د

دکمه ی آسانسور  
را یک بار می زنم

ی

حالا که به بابک کمک کردید بدون خطر به خانه مادر بزرگش برو، او یک پیام برایتان دارد. حرف ها در خانه های درست، یک جمله را تشکیل می دهند. آن ها را کنار هم بچینید تا از پیام بابک رمزگشایی شود و همراه با اسم و فامیل تان به شماره ۲۰۰۰۰۹۹۹ پیامک کنید تا از طرف «شیرازی» ۵ جایزه خوب به قید قرعه تقدیم شما شود.

